Journal of Fiqh and Usul

HomePage: https://jfiqh.um.ac.ir/ Vol. 55, No. 1: Issue 132, Spring 2023, p.117-136

Online ISSN: 2538-3892 Print ISSN: 2008-9139

Receive Date: 26-05-2021 Revise Date: 04-11-2021 Accept Date: 06-11-2021

DOI: https://doi.org/10.22067/jfiqh.2021.70610.1116 Article type: Original

The ruling on the marriage of a pregnant woman from an illegitimate relationship from the perspective of Iranian jurisprudence and law with a view on double pregnancy

Dr. Abdul Samad Ali Abadi ,Assistant professor of jurisprudence and law at the Tehran University of Islamic Religions, **Email**:a.aliabadi@mazaheb.ac.ir

Abstract

From the perspective of Imami jurisprudence and Iranian law, a pregnant woman whose husband has died or divorced her cannot marry anyone other than her ex-husband during pregnancy and must wait until childbirth; However, it has been seen in some cases that a woman without a husband who got pregnant through illegitimate means was married to an adulterer or none adulterer at the time of pregnancy; Even in some cases, the couple finds out after marriage that the woman is pregnant by someone else. The verdict of these examples is not very clear. The question of the verdict of marrying a pregnant woman from an illegitimate relationship from the point of view of jurisprudence and Iranian law is an issue that needs to be explored until reaching a suitable answer. There are three opinions about the marriage of a pregnant adulteress: famous jurists believe that it is permissible, some jurists believe that it is not permissible, and some others believe "Tafsil" that is differrentiating. In this way, marriage is considered permissible, but intercourse and cohabitation during pregnancy are not permissible.This research shows in a descriptive and analytical way that the famous evidence is incomplete and the "tafsil" view based on the principle of innocence is a problem, because despite the generality of the chapter, it does not come to the flow of the principle. As a result, according to the weakness of the evidence of the first and third views, using the generality of the evidences of the obligation of Idah(a period of time that a woman cannot marry after divorce or her husband's death) and in order to preserve "Miah" (sperms) and lineage from mixing, marriage during pregnancy is not permissible. From the medical point of view, there is also the possibility of a pregnant woman getting pregnant again during pregnancy, which is called double pregnancy.

Key words: marriage of a pregnant woman, marrying a pregnant, pregnant marriage, adultery, double pregnancy .

Journal of Fiqh and Usul

HomePage: https://jfiqh.um.ac.ir/

سال ۵۵ - شماره ۱ - شماره پیاپی ۱۳۲ - بهار ۱۴۰۲، ص ۱۳۶ - ۱۱۷

شاپا الکترونیکی ۳۸۹۲-۲۵۳۸

شاپا چاپی ۹۱۳۹-۲۰۰۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۰۵ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۸/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۵

نوع مقاله :پژوهشی

DOI: https://doi.org/10.22067/jfiqh.2021.70610.1116

حکم ازدواج زن باردار از رابطهٔ نامشروع از منظر فقه و حقوق ایران با نگاهی به بارداری مضاعف

دکتر عبدالصمد علی آبادی

استادیار فقه و حقوق دانشگاه مذاهب اسلامی تهران

Email:a.aliabadi@mazaheb.ac.ir

چکیده

از منظر فقه امامیه و حقوق ایران، زن بارداری که همسر وی فوت کرده یا او را طلاق داده است، در زمان بارداری نمی‌تواند با شخصی جز همسر سابق خود ازدواج کند و باید تا وضع حمل صبر کند؛ اما در مواردی دیده شده است که زنِ فاقد شوهر که از راه نامشروع باردار شده، در زمان بارداری با زانی یا غیرزانی ازدواج کرده است؛ حتی در نمونه‌هایی زوج بعد از ازدواج می‌فهمد که آن زن از شخص دیگری باردار است. حکم این نمونه‌ها چندان هویدا نیست. پرسش از حکم ازدواج زن باردار از رابطهٔ نامشروع از منظر فقه و حقوق ایران مسئله‌ای است که نیازمند کاویدن تا دستیابی به پاسخی درخور است. دربارهٔ ازدواج زانیهٔ باردار سه دیدگاه وجود دارد: مشهور فقها قائل به جواز، برخی از فقها قائل به عدم‌جواز و عده‌ای قائل به تفصیل‌اند، به این صورت که نکاح را جایز دانسته اما وطی و هم‌بستری در زمان بارداری جایز ندانسته‌اند.

این پژوهش به‌روش توصیفی‌تحلیلی نشان می‌دهد که ادلهٔ مشهور ناتمام است و دیدگاه تفصیل نیز که بر پایهٔ اصل برائت مطرح شده، محل اشکال است؛ چون با وجود عمومات باب عده، نوبت به جریان اصل نمی‌رسد. درنتیجه نظر به ضعف ادلهٔ دیدگاه اول و سوم، با استفاده از عمومیت ادلهٔ وجوب عده و برای حفظ میاه و انساب از اختلاط، ازدواج در زمان بارداری جایز نیست. ازنظرِ پزشکی نیز امکان بارداری مجدد زن باردار در زمان بارداری وجود دارد که به آن بارداری مضاعف گفته می‌شود.

واژگان کلیدی: ازدواج زن حامله، تزویج الحامل، نکاح الحامل، زنا، بارداری مضاعف.

مقدمه

باردار‌بودن زن یکی از موانع ازدواج است. به‌عبارت‌دیگر، اگر زن به‌سبب طلاق یا فسخ نکاح یا بذل مدت و انقضای آن از زوج جدا شد و حامله بود نمی‌تواند در زمان بارداری ازدواج کند و باید تا وضع حمل صبر کند. البته در فرض طلاق، ازدواج با همسر سابق منع شرعی ندارد. اما ازدواج این زن با مرد دیگری غیر از همسر سابق جایز نیست و حرام است (الموسوعه الفقهیة الکویتیة، ۲۷۲/۱٦)، زیرا آن زن در عدهٔ دیگری است (صاحب‌جواهر، ۴۵۳/۲۹).

از منظر فقهای امامیه، عدهٔ زن باردار بعد از طلاق به وضع حمل است (ابن‌براج، ۳۱۶/۲)؛ یعنی بعد از اینکه فرزندی که در شکم دارد به دنیا آورد عدهٔ وی تمام می‌شود، ولو تولد فرزند بلافاصله بعد از طلاق صورت پذیرد (محقق سبزواری، ۳۵۶/۲). عدهٔ زن باردار نیز درصورتی‌که همسرش فوت کند هریک از این دو؛ یعنی چهارماه و ده روز یا وضع حمل که بیشتر باشد، همان عدهٔ وی به شمار می‌رود (فاضل هندی، ۱۱۸/۸) و بعد از اتمام عده می‌تواند ازدواج کند.

تا اینجا بحثی نیست اما بحث و مناقشه در جایی است که زن فاقد شوهر به‌سبب زنا باردار شده باشد که در جواز یا عدم‌جواز ازدواج وی در زمان بارداری بین فقها اختلافاتی وجود دارد. نظر به رشد کمّیِ روابط نامشروع میان دختران و پسران در سال‌های اخیر، نهاد خانواده در بحث ازدواج با آسیب‌هایی متعددی مواجه شده است. یکی از آسیب‌ها، باردارشدن دختر در پی رابطهٔ نامشروع است که دختر بعد از بارداری برای حفظ آبرو و در ابتدای بارداری، سریع‌تر اقدام به ازدواج با زانی یا غیرزانی می‌کند. حتی در برخی موارد، دختر بارداری خود را مخفی می‌کند و پسر را از این موضوع مطلع نمی‌کند و بعد از ازدواج و شروع زندگی مشترک، زوج متوجه بارداری زوجه قبل از ازدواج از فردی دیگری به‌صورت نامشروع می‌شود. با اینکه حکم ازدواج زن باردار از رابطهٔ نامشروع از اهمیت زیادی برخوردار است اما تحقیق مستقلی در این خصوص صورت نگرفته است و فقط فقها در لابه‌لای کتب فقهی خود به‌صورت مختصر بدان اشاره کرده‌اند.

مهمترین پرسش این است که ازدواج زن حامله از رابطهٔ نامشروع از منظر فقه امامیه و حقوق ایران چه حکمی دارد؟ در این نوشتار با روش کتابخانه‌ای در سایهٔ توصیف و تحلیلی دقیق از گزاره‌های فقهی و بعد از طرح مفاهیم اساسی و تبیین آرا و ادلهٔ فقیهان امامیه تلاش شده است تا حدود و ثغور حکم ازدواج زنی که از راه زنا باردار شده است، مشخص شود.

۱. دیدگاه‌های حاکم بر ازدواج با زن حامله از رابطهٔ نامشروع

فقهای امامیه در خصوص حکم ازدواج زنی که از راه زنا حامله شده است اختلاف‌نظر دارند که در ادامه بدان‌ها اشاره می‌شود.

۱. ۱. جواز ازدواج زانیهٔ حامله در زمان بارداری

أ. اقوال فقها: ازنظر این دیدگاه، زنی که از راه زنا باردار شده است می‌تواند در زمان بارداری ازدواج کند (ابن‌ادریس، ۵۴۴/۲) و هم‌بستری با وی جایز است. در این حکم فرقی نمی‌کند که آن مرد زانی باشد یا شخص دیگری (طباطبایی، ۷۹۰/۲؛ حکیم، ۴۵۵/۱٤؛ مرعشی، ۲۱۳/۲). علامه حلی می‌نویسد: «لاتحرم الحامل من الزنا علی الزانی و لا علی غیره و لایفتقر فی إباحة العقد علیها إلی الوضع» (تحریر، ۴۷۶/۳). مضمون قول علامه این است که ازدواج زن باردار با زانی و غیرزانی حرام نیست و برای مباح‌بودن ازدواج با آن زن نیازی به وضع حمل نیست؛ یعنی وضع حمل شرط اباحهٔ ازدواج نیست، بلکه در حین بارداری می‌توانند ازدواج کنند. صاحب حدائق ادعای شهرت و عدم‌خلاف کرده است: «المشهور فی کلام الأصحاب بل الظاهر أنه لاخلاف فیه أنه لاعدة علی الزانیة إذا کانت ذات حمل من الزانی» (۵۰۴/۲۳). صاحب‌جواهر نیز می‌گوید: زنی که از راه زنا باردار شده است، ازدواج و هم‌بستری با وی جایز است؛ زیرا نطفهٔ زانی حرمت ندارد (۲۱۲/۲٤).

فقها در خصوص زانیهٔ غیرحامل از باب احتیاط قائل به استبراء شده‌اند؛ برای مثال، صاحب عروة می‌نویسد: «الأحوط الأولی أن یکون بعد استبراء رحمها بحیضة من مائه أو ماء غیره» (۷۹۰/۲). امام خمینی در تعلیقه گفته است: «لایُترک حتّی الإمکان» (همان) و خوئی آورده است: «لایُترک الاحتیاط فی تزویج نفس الزانی»[۱] (همان). دلیل این احتیاط آن است که از عدم‌بارداری وی اطمینان حاصل شود. در واقع هدف اصلی جلوگیری از اختلاط میاه و انساب است. اما در خصوص زن باردار گفته‌اند که وی نیاز به استبراء به وضع حمل ندارد، زیرا بارداری واضح است و اختلاط میاه و انساب رخ نخواهد داد (بحرانی، ۵۰۴/۲۳؛ اشتهاردی، ۲۵۷/۲۹). به‌عبارت‌دیگر، استبراء مقدمه‌ای به‌منظور مشتبه‌نشدن نطفهٔ زانی با غیرزانی است و در زن حامل چنین اشتباهی رخ نمی‌دهد؛ زیرا نسب جنین مشخص است که از زنای سابق است (خویی، موسوعة، ۲۲۵/۳۲؛ شبیری زنجانی، ۲۱۵۱/۷).

مادهٔ ۱۱۵۳ قانون مدنی که عدهٔ زن حامله را بیان می‌کند، راجع به عدهٔ زن باردار از راه زنا اشاره نکرده است و مثل اینکه به‌تبعیت از دیدگاه مشهور برای زن باردار از راه زنا عده لازم نمی‌داند. متن ماده عبارت

۱. آیت‌الله خویی در صورتی قائل به احتیاط شده است که زانیه بخواهد با زانی ازدواج کند و دلیل این احتیاط آن است که اگر در زمان بارداری ازدواج کنند باتوجه‌به شباهت‌های فرزند با پدر، ولد زنابودنِ وی قابل تشخیص نباشد حتی با آزمایش ژنتیک.

است از: «عدهٔ طلاق و فسخ نکاح و بذل مدت و انقضاء آن درمورد زن حامله تا وضع حمـل اسـت.» لـذا ازنظرِ قانون، ازدواج زنی که به‌سبب زنا باردار شده است منعی ندارد.

ب. ادلهٔ دیدگاه مشهور: ۱. روایت: صاحبان این نظریه به روایتـی از محمـدبن‌حسـن قمـی اسـتناد کرده‌اند (خویی، موسوعة، ۲۲۵/۳۲). راوی می‌گوید: با جمعی از دوستان به امام جواد(ع) نامه‌ای نوشـتیم و از ایشان سؤال کردیم که مردی با زنی زنا کرده و پس از باردارشدن با او ازدواج می‌کند و زن فرزنـدی مـی آورد که از همهٔ مردم به آن مرد شبیه‌تر است. امام(ع) با خط و مهـر خـود در جـواب نوشـت: «اَلْوَلَـدُ لِغَيَّـةٍ لاَيُورَثُ» (کلینی، ۱۶۳/۷؛ ابن‌بابویه، ۳۱۶/۴؛ طوسی، تهذیب، ۱۸۳/۸)؛ یعنی کسی از زنا زاده ارث نمـی برد.

«غية» در اینجا کنایه از زناست، (فیض کاشانی، الشافی، ۱۶۶۰/۲). نحوهٔ استدلال به این حـدیث بـر جواز ازدواج زن باردار از راه زنا در زمان بارداری به این صورت است که در اینجا هرچند یـک سـؤال شـده است، اما در سؤال فوق دو قضیه وجود دارد: ۱. ازدواج با زانیهٔ باردار از رابطهٔ نامشروع در زمان بارداری؛ ۲. حکم فرزندی که ولد زناست اما متعلق به زوجین است که قبل از ازدواج به‌سبب زنا نطفه‌اش منعقـد شـده است.

آن حضرت در پاسخ فقط قاعده‌ای کلی در خصوص ولد زنا بیان کرد؛ یعنی عدم‌توارث ولدزنا، ولی در خصوص ازدواج در زمان بارداری چیزی نفرمودند و سکوت آن حضرت نشانهٔ جواز چنین ازدواجی است، زیرا اگر نکاح زانی با زانیهٔ حامله اشکال داشت قطعاً به باطل‌بودن آن نیز اشاره می‌کردند.

۲. اجماع: برخی از فقهـا بـر جـواز ازدواج زانیـهٔ بـاردار در زمـان بـارداری ادعـای اجمـاع (محقـق سبزواری، ۱۱۲/۲٤) و عدم‌خلاف کرده‌اند (بحرانی، ۵۰۵/۲۳).

۳. عدم‌حرمت نطفهٔ زانی: بارداری از راه زنا مانع ازدواج نیست و درصورتی‌که زن شوهر نداشته باشد بدون عده می‌تواند ازدواج کند، زیرا نطفهٔ زانی حرمت ندارد (صاحب‌جواهر، ۲۱۲/۲٤).

٤. چون حاملگی زن ظاهر شده است، لذا درصورتی‌که ازدواج کند اختلاط انساب صورت نمی‌گیـرد (خویی، موسوعة، ۲۲۵/۳۲)، درنتیجه عده لغو خواهد بود.

ج. تحلیل ادله: در خصوص دلیل اول، برخی دلالت حدیث فوق را بـر مـدعا پذیرفته‌انـد، امـا چـون روایت ازنظرِ سندی ضعیف است، استدلال به آن را نمی‌پذیرند و فقط آن را به‌عنوان مؤید قبول دارند (همو، همان، ۲۲۵/۳۲)، به‌دلیل اینکه در سند این روایت محمدبن‌حسن قمی وجود دارد که مجهول است (همو، معجم، ۲۱۷/۱٦). علامه مجلسی نیز این حدیث را مجهول می‌داند (مـرآة العقـول، ۲۴۶/۲۳) و در جـای دیگری می‌نویسد: وی محمدالحسن‌بن‌جمهورالعمی است که ضعیف می‌باشد (ملاذ الأخیـار، ۳۵۵/۱۳).

نجاشی وی را محمدبن‌جمهور می‌نامد و می‌نویسد: «ضعیف فی الحدیث، فاسد المذهب» (خویی، معجم، ۱۸۹/۱٦).

این روایت طریق دیگری نیز دارد که به جای «محمدبن‌الحسن قمی» نام «مُحَمَّدِبْنِ‌الْحَسَنِ‌بْنِ‌أَبِی‌خَالِدٍ الْأَشْعَرِیِّ» ذکر شده است (ابن‌بابویه، ۳۱۶/٤؛ حر عاملی، ۲۷۴/۲٦). این احتمال نیز وجود دارد که محمدبن‌الحسن القمی که در سند حدیث آمده است و علامه مجلسی آن را ابن‌جمهور نامیده است (مجلسی، محمدباقر، ملاذ الأخیار، ۳۵۵/۱۳)، محمدبن‌الحسن‌بن‌ابی‌خالد اشعری باشد.

در هر صورت محمدبن‌حسن‌ابی‌خالد القمی الأشعری نیز شخصیت مجهولی دارد و به وثاقت وی تصریح نشده است (خویی، معجم، ۲۱۶/۱۶)، ولی شاید بتوان وثاقت وی را از راهی درست کرد و آن عبارت است از اینکه چون محمدبن‌حسن وصی سعدبن‌سعد اشعری است، لذا وی نیز ثقه است (مجلسی، محمدتقی، ۳۴۱/۱۱). بحرانی ضمن تصریح به صحت روایت فوق می‌نویسد: «قال الوحید فی تعلیقته: إنه یظهر من غیر واحد من الأخبار کونه وصی سعدبن‌سعد الأشعری و هو دلیل الاعتماد و الوثوق و حسن الحال و ظاهر فی العدالة» (سند، ۱۶۱/۲). سعدبن‌سعد از اصحاب امام رضا(ع) و ثقه است (نجاشی، ۱۷۹؛ طوسی، رجال، ۳۵۷). حال اگر محمدبن‌حسن شخص فاسقی بود، سعدبن‌سعد او را وصی خود قرار نمی‌داد و وصی قرارگرفتن وی نشان از عدالت و حسن ظاهر وی دارد، شاید به همین دلیل است که برخی از فقها مثل صاحب حدائق (۱۷/۲۵) صاحب ریاض (۱۱/۱۲) این روایت را صحیح دانسته‌اند.

این طریق نیز برای اثبات وثاقت یک شخص صحیح نیست، همان طور که خوئی در رد آن می‌نویسد: «أن الوصایة لاتکشف عن العدالة و لاتدل علی الاعتماد و الوثوق به بما هو راو، و إنما یدل علی الوثوق بأمانته و عدم‌خیانته» (معجم، ۲۱۷/۱٦). مفهوم قول خوئی آن است که صرف وصی‌بودن، کشف از عدالت نمی‌کند و دلالتی بر اعتماد و اطمینان به‌عنوان راوی نیست و تنها بر امین‌بودن و عدم‌خیانت آن شخص دلالت می‌کند. بنابراین آنچه که از وصی‌بودن محمدبن‌حسن قمی از سعدبن‌سعد فهمیده می‌شود این است که وی امانت‌دار است اما عدالت یا ثقه‌بودن محمدبن‌حسن کشف نمی‌شود.

دلیل اجماع نیز پذیرفتنی نیست، زیرا فقهایی هستند که قائل به عدم‌جواز نکاح هستند (شبیری زنجانی، ۳۲۷/۲). بنابراین، اجماع ادعایی محقق نشده است.

اما راجع به دلیل سوم باید گفت که گرچه نطفهٔ زانی حرمت ندارد اما نطفهٔ مردی که با این زن ازدواج می‌کند حرمت دارد، لذا شرع چنین آمیختگی را نمی‌پذیرد.

دلیل چهارم نیز رد می‌شود، زیرا در روایات تعبیر به استظهار نشده و در روایات نیامده است که برای

تبدیل شک در خصوص بارداری و عدم‌بارداری مدتی صبر شود تا یقین حاصل شود، بلکه امام(ع) استبراء را واجب کرده است و دلیل آن برائت رحم از نطفهٔ حرام است. در باب کنیز اگر کسی کنیز باردار خرید نیز تا وضع حمل، حق هم‌بستری ندارد، چون ارتباطی بین نطفهٔ جدید و آن حمل پیدا می‌شود ولو نسب حمل مشخص باشد و این ازنظرِ شرع ممنوع است (شبیری زنجانی، ۲۱۵۱/۷).

۱. ۲. عدم‌جواز ازدواج زانیهٔ حامله در زمان بارداری

أ. اقوال فقها: برخی از فقهای امامیه ازدواج زن باردار را جایز نمی‌دانند و قائل به ثبوت عده هستند؛ برای مثال، فیض کاشانی می‌نویسد: «أقول الاحوط ثبوتها» (مفاتیح الشرائع، ۳۴۴/۲). کاشف الغطاء نیز می‌گوید: «الأظهر لزوم العدة» (۴۵). از ظاهر قول صاحب وسائل به دست می‌آید که وی قائل به عدهٔ زنی است که از راه زنا باردار شده است، زیرا وی تحت بابی می‌نویسد: «بَابُ وُجُوبِ الْعِدَّةِ عَلَى الزَّانِيَةِ إِذَا أَرَادَتْ أَنْ تَتَزَوَّجَ الزَّانِيَ أَوْ غَيْرَهُ»؛ یعنی باب وجوب عده بر زانیه هنگامی که بخواهد با زانی یا غیرزانی ازدواج کند (حرعاملی، ۲۶۵/۲۲). از اطلاق قول وی به دست می‌آید که وجوب عده شامل زن زانیهٔ باردار و غیرباردار می‌شود. بنابراین، زنی که از راه نامشروع باردار شده است نمی‌تواند ازدواج کند و باید تا وضع حمل صبر کند. شبیری زنجانی نیز ضمن رد دیدگاه کسانی که قائل به عدم‌استبراء در زانیهٔ باردار هستند می‌نویسد: «در زانیه استبراء مطلقاً لازم است که استبراء غیرحامل با دیدن حیض و استبراء حامل با وضع حمل است» (۲۱۵۱/۷).

ازنظرِ این دیدگاه استبراء زانیهٔ باردار واجب است حتی درصورتی‌که زانیه با زانی ازدواج کند، زیرا بعد از ازدواج، زانی همسر شرعی زن است، در این صورت نطفهٔ وی بعد از ازدواج ازنظرِ شرع حرمت دارد و نباید در جایی قرار گیرد که قبلاً در آن نطفهٔ حرام قرار گرفته است، افزون بر آن احتمال اختلاط نسب نامشروع با مشروع در این فرض بیشتر است، لذا شارع راضی نیست که فرزند نامشروع به‌عنوان فرزند مشروع به شخصی نسبت داده شود.

ب. ادلهٔ دیدگاه عدم‌جواز:

۱. عمومیت ادله: اولاً ادله‌ای که بر وجوب عده دلالت می‌کنند عام هستند و می‌گویند با دخول عده واجب می‌شود، این حکم شامل همهٔ زنان مدخوله حتی زانیهٔ باردار می‌شود؛ مثل این روایت: «إِذَا الْتَقَى الْخِتَانَانِ وَجَبَ الْمَهْرُ وَ الْعِدَّةُ وَ الْغُسْلُ» (کلینی، ۱۰۹/۶).

به روایت فوق چنین استدلال شده است که این روایت در صورت «التقی الختانان» عده را واجب دانسته است و اطلاق آن شامل زانیه نیز می‌شود، چه زانیهٔ باردار و چه زانیهٔ غیرباردار.

افزون بر آن، روایت دیگری وجود دارد که مفهوم آن روایت این است که ازدواج زن زانیه بعد از استبراء

جایز است. ابن‌جریر از امام صادق(ع): «قُلْتُ لَهُ الرَّجُلُ يَفْجُرُ بِالْمَرْأَةِ ثُمَّ يَبْدُو لَهُ فِي تَزْوِيجِهَا هَلْ يَحِلُّ لَهُ ذَلِكَ قَالَ نَعَمْ إِذَا هُوَ اجْتَنَبَهَا حَتَّى تَنْقَضِيَ عِدَّتُهَا بِاسْتِبْرَاءِ رَحِمِهَا مِنْ مَاءِ الْفُجُورِ فَلَهُ أَنْ يَتَزَوَّجَهَا» (کلینی، ۳۵۶/۵؛ طوسی، تهذیب، ۳۲۷/۷)؛ ابن‌جریر می‌گوید: به امام صادق(ع) عرض کردم اگر کسی با خانمی زنا کند و بعداً بخواهد با او ازدواج کند، آیا روا خواهد بود؟ ابوعبداللّه گفت: بلی، بعد از آنکه از خانم دوری کند تا عدهٔ او سرآید و پاکی رحم او روشن شود، حق دارد با او ازدواج کند.

۲. اختلاط میاه و انساب: هدف دین مبین اسلام یا به‌طورکلی هر دین الهی مبتنی بر حفظ پنج مقصد اساسی؛ یعنی دین، عقل، نفس، مال و نسب است (شهید اول، ۳۸/۱). تشریع احکام تکلیفی و وضعی نیز در مجموع برای حفظ این اهداف صورت گرفته است. بنابراین، اسلام برای حفظ میاه و انساب انسان‌ها از اختلاط، احکامی را وضع کرده است. فقها نیز حکمت برخی از احکام را عدم‌اختلاط میاه ذکر کرده‌اند؛ مثل عدم‌شرط دخول در عدهٔ وفات (شهید ثانی، ۲۷۱/۹)، عدم‌جواز ازدواج با زانیهٔ مشهوره (محقق کرکی، ۲۷۱/۹)، حرمت ازدواج دو مرد با یک زن به‌طور هم‌زمان (علامه حلی، تذکرة، ۶۳۹)، تشریع عده (خوانساری، ۵۴۴/٤)

و این اشکال که با وجود آزمایش (DNA) اختلاط در انساب پدید نمی‌آید پذیرفتنی نیست، زیرا یکی از کاربردهای آزمایش DNA به‌منظور تأیید رابطهٔ پدر-فرزندی انجام می‌گیرد، حال در فرضی که زانیهٔ باردار با زانی ازدواج کند آزمایش DNA فایده‌ای ندارد؛ چراکه در نسب اختلافی وجود ندارد، به‌دلیل آنکه فرزند از هم‌بستری زانیه با زانی و از نطفهٔ زانی به وجود آمده است، بلکه اختلاف در الحاق فرزند نامشروع به پدر (زانی) به‌عنوان فرزند مشروع است که آزمایش DNA نمی‌تواند مشروع یا نامشروع‌بودن فرزند را اثبات کند.

در فرضی که زانیه با فرد دیگری غیر از زانی ازدواج کند، هرچند با آزمایش DNA غالباً نسب فرزند مشخص می‌شود و این آزمایش نشان می‌دهد که آن فرزند برای زوج نیست، اما اولاً ازنظرِ اکثر فقها لعان و قاعدهٔ فراش در اثبات نسب حجیت دارد و آزمایش DNA را قبول ندارند، زیرا ملاک در اثبات نسب فراش است، حال آنکه در این آزمایش اصلاً فراشی وجود ندارد، درنتیجه حجیت ندارد. همان طور که این آزمایش نمی‌تواند جانشین لعان شود؛ یعنی اگر مرد به زن نسبت زنا دهد مرد با آزمایش DNA نمی‌تواند حد را از خود دفع کند، بلکه با لعان ساقط می‌شود چون ملاک در سقوط حد قذف، لعان است (قائنی نجفی، جلسهٔ ۵۱ و ۵۳؛ همو، «آزمایش‌های پزشکی اگر مفید علم و یقین باشد، حجت است»). بر همین اساس، در برخی آرای قضایی تصریح شده است که نفی ولد جز به لعان ممکن نیست و نظریهٔ پزشکی قانونی و آزمایش‌های ژنتیکی (DNA) در این مورد حجیت ندارد (سامانهٔ ملی آرای قضایی، «ارزش اثباتی

آزمایش DNA در دعوای نفی نسب»؛ همو، دعوای لعان بعد از اقرار به رابطهٔ بنوت»).

ج. تحلیل: در خصوص سند روایت، برخی آن را صحیح و برخی حسن می‌دانند (مجلسی، محمدتقی، ۱۱۹/۹؛ بحرانی، ۱۱۹/۲٤).

روایت دوم نیز طبق سندی که کلینی نقل کرده است، مرسل و ضعیف است (مجلسی، محمدباقر، مرآة العقول، ۶۳/۲۰)، اما اشکالی بر آن نیست؛ زیرا شیخ طوسی همین روایت را به طریق صحیح آورده است (خویی، موسوعة، ۲۲۰/۳۲)، درنتیجه روایت صحیح است.

ازنظرِ دلالی، روایت بر وجوب عدل زانیه دلالت می‌کند. شیخ طوسی در الهدایة با استدلال به روایت ابن‌جریر ازدواج بدون استبراء را جایز نمی‌داند: «وَ لَایَنْبَغِی لَهُ أَنْ یَتَزَوَّجَ بِهَا بَعْدَ الْفُجُورِ إِلَّا بَعْدَ أَنْ یَسْتَبْرِئَ رَحِمَهَا» (تهذیب، ۳۲۷/۷). شیخ، «لاینبغی» آورده است؛ اما لاینبغی در کلمات شیخ و بسیاری از قدما غالباً دلالت بر حرمت می‌کند، خصوصاً در اینجا که شیخ به روایت اسحاق‌بن‌جریر استدلال می‌کند قطعاً دلالت بر حرمت می‌کند (شبیری زنجانی، ۲۱۴۹/۷). علامه مجلسی می‌نویسد: «یدل علی اعتبار العدة من ماء الزنا و هو أحوط و إن لم یذکره الأکثر» (مرآة العقول، ۶۳/۲۰). علامه برخلاف دیدگاه اکثر فقها، دلالت این حدیث را می‌پذیرد بر اینکه «ماء الزنا» عده دارد. بنابراین، طبق این روایت زانیه قبل از ازدواج باید رحم خود را از ماءالفجور پاک کند.

این روایت با اطلاقی که دارد استبراء را در زانیه مطلقاً لازم می‌داند، چه زانیه حامله باشد یا نباشد که استبراء غیرحامل با دیدن حیض و استبراء حامل با وضع حمل است.

در خصوص دلیل دوم باید گفت که در روایات نیز به اهمیت حفظ انساب اشاره شده است؛ برای مثال، امام رضا(ع) در خصوص حرمت زنا فرمود: «خداوند زنا را حرام کرده است به‌دلیل فسادی که در آن پیدا می‌شود از کشتار یکدیگر و درآمیختن و به‌هم‌خوردن نسل و تبار و ترک تربیت فرزندان و برهم‌خوردن میراث و آنچه از این قبیل از اقسام فساد و تباهی است» (ابن‌بابویه، ۵۶۵/۳). آن حضرت نیز در خصوص علت حرمت قذف فرمودند: «خداوند تهمت و ناروا و نسبت‌دادن به پاکدامنان کار زشت را حرام فرموده است برای اینکه نسب‌ها تباه می‌شود و فرزند از پدر واقعی خود جدا می‌شود و مسئلهٔ ارث و میراث به هم می‌خورد» (همان).

حال اگر ازدواج با زن زانیهٔ باردار بدون استبراء (وضع حمل) جایز دانسته شود این هدف شارع تأمین نمی‌شود و سبب اختلاط میاه و انساب خواهد شد. بنابراین، برای جلوگیری از اختلاط میاه استبراء زن باردار لازم است.

۱. ۳. قول به تفصیل (جواز نکاح و حرمت وطئ)

أ. اقوال فقها: ازنظرِ این اندیشه زنی که از راه زنا باردار شده است می‌تواند ازدواج کند اما تا زمان وضع حمل نباید وطئ و هم‌بستری صورت گیرد. شیخ مفید بعد از تصریح به صحت نکاح می‌نویسد: «و إذا عقد علیها بعد الفجور بها فلایقربها حتی یستبرئها» (۵۰۴). وی در ادامه می‌نویسد که اگر زانیه حیض می‌شود به‌اندازهٔ یک حیض صبر کند و اگر حیض نمی‌شود سه ماه صبر کند؛ پس هنگامی که یقین پیدا کرد که زانیه باردار نیست، وطئ جایز است: «فإذا علم أنه لاحمل بها وطئها» (همان)؛ یعنی اگر بعد از یک ماه یا سه ماه فهمید که زانیه باردار است، حق ندارد وی را وطئ کند. بنابراین، ازنظرِ شیخ مفید استبراء شرط وطئ است و وطئ زانیهٔ باردار تا وضع حمل حرام است.

شیخ طوسی در مبسوط نیز استبراء را شرط وطئ می‌داند: «لاعدة علی الزانیة وجوباً حائلاً کانت أو حاملاً و لکل أحد أن یتزوج بها فی العدة و بعدها حائلاً کانت أو حاملاً إلا أنه لایطأها إن کانت حاملاً حتی تضع» (٢٠٣/٤)؛ مفهوم قول شیخ آن است که بر زانیه عده واجب نیست، چه باردار باشد یا نباشد و هر کسی می‌تواند با آن زانیه در زمان عده و بعد از اتمام عده ازدواج کند، چه حامله باشد یا نباشد، فقط وطی وی درصورتی‌که حامله باشد تا زمان وضع حمل جایز نیست. شیخ در الخلاف نیز بعد از اشاره به اینکه زانیهٔ باردار و غیرباردار عده ندارد و ازدواج وی صحیح است، می‌نویسد: «غیر أنه لاینبغی أن یطأها حتی تضع ما فی بطنها، یستبرئها بحیضة استحباباً». ظاهر قول شیخ «لاینبغی» و قید «استحباباً» بر جواز نکاح و وطئ زانیه دلالت می‌کند و ازنظرِ وی استبراء مستحب است (٣٠٢/٤) و طبرسی نیز قولی شبیه قول شیخ در خلاف دارد (١٣٠/٢).

بنابراین، طبق قول شیخ مفید و شیخ طوسی در المبسوط استبراء واجب است اما شیخ در خلاف و طبرسی ادعای استحبابِ استبراء کرده‌اند که خلاف ظاهر است، زیرا روایات بر وجوب استبراء دلالت می‌کنند (کاشف الغطاء، ۴۵).

ب. ادلهٔ دیدگاه تفصیل: روایت: استناد به آیات «وَ أُحِلَّ لَکُمْ ما وَراءَ ذلِکُمْ»[۱] (نساء: ٢٤) «فَانْکِحُوا ما طابَ لَکُمْ»[۲] (نساء: ۳). خداوند در مجموع این دو آیه می‌فرماید: هر زنی بر شما حلال است و می‌توانید با وی ازدواج کنید، مگر زنانی که نهی کردم و خداوند در خصوص ازدواج زن زانیه نهی نفرمودند، لذا می‌توان با آن‌ها ازدواج کرد و نیازی هم به عده و استبراء ندارند، چه زانیه حامله باشد یا نباشد (طبرسی، ۱۳۰/۲).

۱. هر زنی غیر آنچه ذکر شد شما را حلال است.

۲. پس با آنچه میلتان باشد از زنان ازدواج کنید.

اصل برائت ذمه: دربارهٔ وجوب عدهٔ زن زانیه شک وجود دارد، اصل برائت ذمه جاری می‌شود و لذا ذمهٔ زن زانیه در خصوص عده مشغول نیست و تکلیفی ندارد، زیرا وجوب عده نیاز به دلیل دارد که چنین دلیلی وارد نشده است (طوسی، الخلاف، ٤/۳۰۱).

تحلیل: نظر به وجود روایات فراوان که حتی خود شیخ در تهذیب باتوجه‌به روایت اسحاق‌بن‌جریر فتوا به لزوم استبراء صادر کردند (۳۴۷/۷)، دیگر محلی برای جریان اصل برائت و تمسک به عمومیت آیات قرآن باقی نمی‌ماند.

۲. بارداری مضاعف

با دقت‌نظر در اقوال و ادلهٔ کسانی که ازدواج زانیهٔ باردار را در زمان بارداری جایز می‌دانند این نکته به دست می‌آید که چون زانیه باردار است دیگر نیازی به استبراء نیست و استبراء تا زمان وضع حمل بی‌فایده است، زیرا بارداری زن مانع از اختلاط میاه و انساب می‌شود. حال در اینجا این سؤال به ذهن می‌آید که آیا در دوران تثبیت حاملگی اگر زنی با زوج خود یا مرد اجنبی نزدیکی کند امکان تشکیل لقاح ثانوی (تشکیل جنین) از آن مرد است؟ به‌عبارت‌دیگر، زنی که در حال حاضر باردار تشخیص داده شده است اگر با زوج خود یا مرد اجنبی در حال بارداری هم‌بستر شود آیا فرزند دومی از نطفهٔ زوج یا مرد اجنبی در رحم آن زن به وجود می‌آید؟

پاسخ علم پزشکی به این سؤال مثبت است و در زمان بارداری، بارداری دوم اتفاق می‌افتد و در اصلاح پزشکی زمانی که یک بارداری جدید درطول حاملگی اولیه رخ می‌دهد (کانینگهام و دیگران، ۱۰۲۶/۳) به آن حاملگی مضاعف (سوپرفتاسیون)[1] گفته می‌شود (سایت دکتر فرشتهٔ دانشمند). از دیدگاه تئوریک تازمانی‌که حفرهٔ رحم در اثر اتصال دسیدوای کپسولی به دسیدوای واقعی محو نشده است، امکان‌پذیر است. به‌عبارت‌دیگر، «یک زن باردار چند هفته پس از باردارشدنش یک تخمک دیگر آزاد می‌کند. تخمک دوم بارور می‌شود و سپس او به‌طور هم‌زمان دو کودک را باردار است. این را با لقاح هم‌زمان اشتباه نگیرید، در لقاح هم‌زمان دو تخمکی که طی یک چرخهٔ قاعدگی آزاد شده‌اند در زمان‌های جداگانه بارور می‌شوند» (سایت مادرشو، ۱۴۰۰).

این موارد کم اتفاق می‌افتد، اما موارد متعددی در این خصوص گزارش شده است؛ برای مثال، زنی در انگلستان در هفتهٔ پنجم متوجه سایهٔ کوچکی در کنار جنین شد و در هفتهٔ هفتم مشخص شد که این جنین دومین فرزند است که سه هفته بعد نطفه بسته شده است. در واقع این زن طی سه هفته دوبار باردار شده

1. superfoetation

است (سایت اسپوتینک ایران، ۲۰۲۱م). مورد بعدی زوجی استرالیایی است که در سال ۲۰۱٦ طـی ده روز دوبار باردار شده و حتی پزشکان دو تاریخ متفاوت برای زایمان تعیین کرده بودند (سایت هارپی، ۱۳۹۹).

البته این کار با روش لقاح آزمایشگاهی هم انجام شده است که با موفقیت همراه بـود. زنـی آمریکـایی درحالی‌که قبلاً باردار بود باردار شد، وی موفق به حمل دوقلوها با دو مجموعـه والـدین مختلـف شـد کـه به‌عنوان بارداری مضاعف شناخته می‌شود. نتایج به این معنا بود که یک زن باردار می‌تواند باز بـاردار شـود (سایت هلیکس، ۱۳۹۹).

شکل: بارداری مضاعف



دربارهٔ دلیل بارداری مضاعف چنین گفته شده است: «معمولاً هنگامی که زن بـاردار می‌شـود چنـدین فرایند بیولوژیکی به وجود می‌آید که مانع از بارداری مجدد در دوران بارداری می‌شود: بدن او هورمون‌هایی را که جلوی آزادشدن تخمک از تخمدان‌ها می‌شود را آزاد می‌کند. «پلاگین مخاط» در دهانـهٔ رحـم ایجـاد می‌شود که مانع از حرکت اسپرم به داخل رحم می‌شود. دیوارهٔ رحم ضخیم می‌شود و کار برای لانـه‌گزینـی جنین دیگر مشکل می‌شود. اما در وضعیت‌های بسیار نادر با حامله‌شدن باز هـم تخمک‌گـذاری می‌توانـد ادامه یابد و تخمدان‌های فرد، تخمک دیگری را آزاد کنند که قابلیت باروری دارند و درنتیجه آن بارداری دوم است، اما این دو جنین با سنین حاملگی مختلف به‌طور معمول فقط چند هفته با هم فاصلـه دارنـد کـه بـا دوقلوهای برابر متفاوت است که در آن دو تخم به‌طور هم‌زمان بـارور می‌شـوند و جنین‌هـا سـن حـاملگی

یکسانی دارند و این مورد زیاد گزارش می‌شود کـه بـه حـاملگی دوم، حـاملگی مضـاعف گفتـه می‌شـود» (همان).

باتوجه‌به فاصلهٔ کم بین دو بارداری گاهی آن دو را دوقلو فرض می‌کننـد کـه همـین امـر افـراد را درگیـر مسائل حقوقی پیچیده‌ای می‌کند (همان)، البته موارد نادری هم رخ داده که فاصـله بـین دوبـارداری بسـیار زیاد است؛ برای مثال، یک مورد در روم گزارش شده است که فاصلهٔ بین دو حاملگی تقریباً سه تا چهار مـاه بود (همان).

۳. نظر مختار

مشهور یا اکثر فقها، ازدواج و هم‌بستری با زانیهٔ باردار را علاوه بر استناد به روایتی ضعیف، از ایـن نظـر جایز می‌دانستند که چون زانیه باردار است لذا بارداری مجدد وی در هنگام بارداری ممکن نیست، اما ادلـهٔ مشهور ناتمام است و ادلهٔ کسانی که قائل به عدم‌جواز ازدواج در زمـان بـارداری هسـتند از قـوت بیشـتری برخوردار است. ازنظرِ پزشکی نیز امکان بارداری مجدد در زمان بارداری وجود دارد و باتوجه‌به فاصلهٔ کـم بارداری دوم، احتمال اشتباه در تشخیص فرزند دور از انتظار نیست، خصوصاً اگر زوج همان زانـی باشـد؛ چراکه دو جنین از همه لحاظ یکسان هستند. این نـوع بـارداری کـم اتفـاق می‌افتـد، امـا به‌صـورت لقـاح آزمایشگاهی موارد آن فراوان خواهد بود و چون این امر سبب اختلاط میاه و انساب می‌شود درنتیجه شـارع چنین ازدواجی را جایز نمی‌داند. بله، نطفهٔ زانی حرمت ندارد، اما نطفهٔ زوج (شخصی کـه بـا زانیـهٔ بـاردار ازدواج می‌کند) حرمت دارد و باید از اختلاط آن با حرام جلوگیری کرد.

بنا بر نظر نگارنده، قول دوم ترجیح دارد و ازدواج در زمان بارداری جایز نیست و الله العالم.

۴. استفتا از مراجع عظام تقلید

در خصوص حکم ازدواج زنی که از راه زنا باردار شده است از دفاتر مراجع عظـام تقلیـد اسـتفتا شـده است که به شرح ذیل است (اسلام کوئست، ۱۳۹۹):

سؤال: زنی که از راه غیرمشروع باردار شده است برای ازدواج (موقت یا دائم) چقدر باید عده نگه دارد؟

پاسخ مراجع عظام تقلید چنین است:

آیت‌الله خامنه‌ای: زن مذکور عده ندارد.

آیت‌الله سیستانی: زنا عده ندارد.

آیت‌الله شبیری زنجانی: زنا عده ندارد، ولی بنا بر احتیاط باید تا وضع حمـل صـبر کنـد و بعـد ازدواج

کند، در هر صورت قبل از وضع حمل نزدیکی جایز نیست.

آیت‌الله صافی گلپایگانی: زن زانیه حتی اگر باردار باشد، عده ندارد.

آیت‌الله علوی گرگانی: زن زانیه برای ازدواج عده ندارد، گرچه بهتر است به مقدار دو حیض عـده نگـه دارد.

آیت‌الله مکارم شیرازی: زنی که حامل از زناست، عده ندارد و جایز است به عقد زانی یا غیر او در آید.

آیت‌الله هادوی تهرانی: اگر این زن زناکار در عدهٔ دیگری بوده و مرتکب زنا شده است، باید همان عده را به پایان برساند و پس از آن می‌تواند ازدواج کند و اگر در عدهٔ دیگر نبوده است، عده ندارد و زنا یا حاملـه شدن از زنا تأثیری در عده‌اش ندارد.

نتیجه: آیات عظام علوی گرگانی و شبیری زنجانی قائل به احتیاط شده‌اند. علاوه بر آن، ازنظـرِ شـبیری در صورت ازدواج، زوجین حق هم‌بستری ندارند.

۵. استبراء زانیهٔ باردار

عدهٔ زن بارداری که طلاق گرفته است به وضع حمل است و بـا وضـع حمـل عـدهٔ وی تمـام می‌شـود (صاحب‌جواهر، ۲۵۲/۳۲)، حتی با سقط بچه نیز عده تمام می‌شود (ابـن‌بـراج، ۳۱۶/۲). البتـه مـلاک در وضع حمل، جداشدن تمام فرزند از مادر است (همان). برخلاف ابن‌وهـب از فقهـای مالکیـه کـه معتقـد است وقتی دو سوم فرزند از شکم مادر جدا شد، عده تمام می‌شود (الموسوعة الفقهية الكويتيـة، ۳۱۶/۲۹) و بنا بر قولی، ابوحنیفه اتمام عده را خروج بیشتر فرزند از شکم مادر می‌داند (همان، ۳۱۷/۲۹). باتوجـه‌بـه توضیحات مذکور، ازنظرِ کسانی که استبراء زانیهٔ باردار را واجب می‌دانند، اسـتبراء بـه وضـع حمـل اسـت (شبیری زنجانی، ۲۱۵۱/۷).

۶. سرنوشت فرزند باردار از زنا بعد از ازدواج زانیه

بنا بر فتوای مشهور که ازدواج زانیهٔ باردار را جایز می‌دانند، درصـورتی‌کـه زن ازدواج کنـد وضـعیت آن فرزند نامشروع چه خواهد شد؟ این وجه دو صورت دارد: صورت اول جایی است که زانیه بـا زانـی ازدواج می‌کند و صورت دومی جایی است که با غیرزانی ازدواج می‌کند که درادامه به هر دو پرداخته می‌شود:

٦. ١. ازدواج زانیهٔ باردار با زانی

در خصوص الحاق یا عدم‌الحاق ولد زنا به زانی دو دیدگاه وجود دارد:

أ. دیدگاه عدم‌الحاق: ازنظرِ این دیدگاه، اگر زانیهٔ حامله با زانی ازدواج کنـد، فرزنـدی کـه حاصـل از

رابطهٔ نامشروع آن‌ها در زمان قبل از ازدواج است به‌دلیل اینکه نطفهٔ وی از زناست، شرعاً بدان‌ها ملحق نخواهد شد (شهید ثانی، ۳۵۳/۸؛ خویی، موسوعه، ۳۲۵/۳۲)، زیرا به‌سبب زنا نسب ثابت نمی‌شود و ازدواج بعد از زنا فایده‌ای ندارد و سبب الحاق فرزند نامشروع به پدر نمی‌شود (موسوی عاملی، ۴۳۶/۱) و به هیچ وجه از یکدیگر ارث نمی‌برند، حتی اگر پدر اقرار به فرزندی وی کند (بحرانی، ۴۰۴/۱٤). ولد زنا از مادر و بستگان مادری ارث نمی‌برد و عکس آن هم همین طور است (طباطبایی، علی‌بن‌محمد، ۴۲۷/۱٤).

فقها به دو روایت استناد کرده‌اند: «الولد لغیة لایورث» و «أیّما رجل وقع علی ولیدة قوم حراماً ثم اشتراها فادّعی ولدها، فإنّه لایورث منه شیء، فإنّ رسول اللّه صلّی اللّه علیه و آله قال: «الولد للفراش و للعاهر الحجر» (کلینی، تهذیب، ۱۶۳/۷؛ طوسی، الاستبصار، ۱۸۳/٤؛ همو، تهذیب، ۱۸۳/۸). مفهوم هر دو روایت آن است که فرزندی که از راه نامشروع به دنیا آمده است جزو وراث زانی قرار نمی‌گیرد و قید روایت دوم «الولد للفراش و للعاهر الحجر»؛ یعنی ولد برای فراش است و زانی محروم از فرزند است.

در خصوص روایت اول با صرف‌نظر از اشکال سندی فقط در خصوص محرومیت ولد زنا از ارث است. اما روایت دوم بعد از بیان این حکم که ولد زنا از ارث محروم است قید «الولد للفراش و للعاهر الحجر» آورده است که طبق‌نظر فقها این فقره دربارهٔ زنی است که شوهر دارد و زنا هم انجام داده و باردار شده است، حال اگر شک شود که این بچه زوج است یا زانیه، این قاعده جاری می‌شود و فرزند را به زوج ملحق می‌کند و شامل محل بحث که زانیه شوهر ندارد، نمی‌شود (خویی، موسوعة، ۷۰/۳).

در متن قانون مدنی ایران نیز به فتوای مشهور اشاره شده است. مادهٔ ۱۱٦۷ الحاق طفل به زانی و زانیه را منتفی می‌داند: «مادهٔ ۱۱٦۷ طفل متولد از زنا ملحق به زانی نمی‌شود» و مادهٔ ۸۸٤ نیز به نفی ارث برای فرزند نسبت به زانی و زانیه تصریح می‌کند: «مادهٔ ۸۸٤ ولد الزنا از پدر و مادر و اقوام آنان ارث نمی‌برد، لیکن اگر حرمت رابطه که طفل ثمرهٔ آن است نسبت به یکی از ابوین ثابت و نسبت به دیگری به‌واسطهٔ اکراه یا شبههٔ زنا نباشد طفل فقط از این طرف و اقوام او ارث می‌برد و بالعکس.»

به اتفاق فقهای امامیه فرزندان و زوج یا زوجهٔ ولد زنا از وی ارث می‌برند و درصورتی‌که فرزند و زن نداشته باشد، وارث وی امام است (طباطبایی، علی‌بن‌محمد، ۴۲۸/۱٤). مادهٔ ۸۸٤ قانون مجازات اسلامی در خصوص وارث دیهٔ ولد زنا برگرفته از همین فتواست: «مادهٔ ۵۵۳ وارث دیهٔ شخص متولد از زنا درصورتی‌که فرزند و همسر نداشته باشد و زنا از هر دو طرف با رضایت صورت گرفته باشد، مقام رهبری است و چنانچه یکی از طرفین شبهه داشته یا اکراه شده باشد، همان طرف یا اقوام او وارث دیه می‌باشند.»

ازدواج ولد زنا با زانی و زانیه نیز جایز نیست هرچند ولد شرعی به شمار نمی‌رود، اما این حرمت ذاتی

است و مشروط به اثبات نسب شرعی نیست (صاحب‌جواهر، ۲۵۷/۲۹). به‌طورکلی همۀ محرمات ازدواج در خصوص ولد زنا جاری است (همان، ۲۵۸تا۲۵۹) و در مادۀ ۱۰٤۵ قانون مدنی آمده است: «در موانع نکاح مادۀ ۱۰٤۵ نکاح با اقارب نسبی ذیل ممنوع است اگرچه قرابت حاصل از شبهه یا زنا باشد: ۱. نکاح با پدر و اجداد و با مادر و جدات هر قدر که بالا برود؛ ۲. نکاح با اولاد هر قدر که پایین برود؛ ۳. نکاح با برادر و خواهر و اولاد آن‌ها تا هرقدر که پایین برود؛ ٤. نکاح با عمات و خالات خود و عمات و خالات پدر و مادر و اجداد و جدات.»

ب. دیدگاه الحاق: در مقابل قول مشهور قول دیگری وجود دارد که برخی از فقها قائل به آن هستند و آن اینکه ولد زنا همۀ احکام ولد شرعی را دارد و فقط رابطۀ توارث بین ولد زنا و والدین وجود ندارد. مامقانی اولین فقیهی است که این قول را مطرح کرده است (مکارم شیرازی، کتاب النکاح، ۱۱۷/۲). از معاصران، امام خمینی (۵۱۱) و خویی (موسوعة، ۷۰/۳)، مکارم شیرازی (الفتاوی الجدیده، ۳۳۲/۱)، سبحانی (نظام النکاح، ۲۴۹/۱؛ همو، الحج، ۲۲۷/۲) موافق این دیدگاه هستند.

ادله: دلیلی که این اندیشه می‌آورد آن است که شخصی که از زنا به دنیا آمده است ازنظرِ لغت، عرف و شرع ولد زانی و زانیه به شمار می‌رود (خویی، موسوعة، ۷۰/۳؛ طباطبایی، علی‌بن‌محمد، ۳۷۵/۲).

تحلیل: با بررسی کتب اهل لغت، آن‌ها ولد را چنین معنا کرده‌اند: «کُلُّ مَا وَلَدَهُ شَیءٌ» (مقری، ۶۷۱/۲؛ طریحی، ۱۶۵/۳). باتوجه‌به معنای فوق چون ولد زنا محصول دو نفر است و از آن‌ها به دنیا می‌آید فرزند آن‌هاست. همچنین به پدر و مادر طبیعی که انسان از آن‌ها به وجود آمده است، به ترتیب والد و والده گفته می‌شود (قرشی بنابی، ۲۴۳/۷). بنابراین، فرزندی که از رابطۀ دو نفر به وجود می‌آید بـه آن‌هـا ملحـق می‌شود و در این امر فرقی بین ولد زنا و ولد شرعی نیست.

عرف نیز وقتی ببیند که فرزندی توسط زنی با مشارکت مردی به دنیا آمد، قطعاً فرزند را به والدین حقیقی آن‌ها نسبت می‌دهد؛ زیرا برای عرف فرقی نمی‌کند که این فرزند حاصل از نکاح است یا زنا، همان طور که این فقها تصریح به ولد عرفی می‌کنند (سبحانی، نظام النکاح، ۲۴۹/۱؛ همو، الحج، ۲۲۷/۲).

شرع نیز به کسی که از راه زنا آمده باشد، ولد می‌گوید؛ ازاین‌روست که در روایات و اقوال فقها «ولد زنا» کاربرد دارد و همۀ فقها ولدبودن شخص متولد از زنا را قبول دارند، اما وی را ولد شرعی نمی‌دانند؛ زیرا از پدر شرعی به دنیا نیامده است تا ولد شرعی باشد. بااین‌وجود در اصل حکم خللی ایجاد نمی‌شود، زیرا بسیاری از احکام روی عنوان ولد رفته است (ولد بما هو و لد)؛ مثل ارث، حضانت، ولایت، عدم‌قصاص پدر به‌سبب قتل ولد و... بدون اینکه فرقی بین ولد شرعی با ولد زنا شده است.

شاید به همین دلیل باشد که برخی گفته‌اند ولد زنا در حکم ولد شرعی است و فقط در مسئلۀ ارث

چون نص وجود دارد شامل ولد زنا نمی‌شود (همان، ۲۲۷/۲).

با اینکه مادهٔ ۱۱۶۷ الحاق ولد زنا به زانی و زانیه را نفی می‌کند، اما طبق رأی وحدت رویهٔ ۶۱۷ دیوان عالی کشور در خصوص اثبات نسب و اخذ شناسنامه (۴۷۶) نقل از شمارهٔ ۱۵۲۹۳، ۱۳۷۶/۶/۱۰ روزنامهٔ رسمی، شمارهٔ ۱۹۲۰ق، ۱۳۷۶/۵/۱۴ و با استناد به فتوای امام خمینی، حکم اشتراک ولد زنا با ولد شرعی کرده است و فقط رابطهٔ توارث را نفی کرده است.

نتیجه آنکه از دیدگاه مشهور فقها بین ولد زنا و زانیان هیچ‌گونه رابطهٔ نسبی وجود ندارد و فقط نکاح استثنا شده است، اما بنا بر رأی وحدت رویه که لازم الاجراست، بین ولد زنا با زانیان رابطهٔ نسبی برقرار است و فقط توارث بین آن‌ها وجود ندارد.

۶. ۲. ازدواج زانیهٔ باردار با غیرزانی

شیخ طوسی در المبسوط می‌نویسد: ازدواج زانیهٔ باردار در زمان بارداری جایز است، اما وطئ و هم‌بستری زن جایز نیست و باید تا وضع حمل صبر کند؛ حال اگر ازدواج انجام شد و زوج وطئ انجام داد، در این صورت اگر فاصلهٔ بین هم‌بستری تا تولد فرزند کمتر از شش ماه باشد، به اتفاق فقها فرزند به زوج ملحق نمی‌شود و نیازی به لعان نیست. اما درصورتی‌که فاصلهٔ هم‌بستری تا وضع حمل بیشتر از شش ماه شد و زوج دچار شک و شبهه شد که آیا آن فرزند متعلق به وی است یا خیر، در این صورت اگر ظن دارد که متعلق به وی نیست با لعان فرزند را از خود نفی کند، اما اگر ظن دارد که فرزند خودش است و قبول کند، فرزند به وی ملحق می‌شود (۲۰۳/۲).

نتیجه‌گیری

۱. در خصوص جواز یا عدم‌جواز ازدواج زانیهٔ باردار از رابطهٔ نامشروع در زمان بارداری سه نظر وجود دارد: ۱. مشهور فقها قائل به جواز ازدواج زانیهٔ حامل حامل با زانی یا غیرزانی هستند؛ ۲. برخی از فقها قائل به عدم‌جواز ازدواج زانیهٔ حامل هستند؛ ۳. ازدواج جایز است و وطئ جایز نیست.

۲. ازنظرِ مشهور فقها، ازدواج زنی که شوهر ندارد و از راه نامشروع باردار شده است در زمان بارداری جایز است، اما ادلهٔ آن‌ها ناتمام است. حقوق ایران نیز از رأی مشهور تبعیت کرده است.

۳. در مقابل، مانعان ازدواج در زمان بارداری علاوه بر تمسک به عمومات باب عده معتقدند که هرچند نطفهٔ زانی محترم نیست اما نطفهٔ مردی که قصد دارد با وی ازدواج کند محترم هست و برای حفظ میاه و انساب از اختلاط چنین ازدواجی جایز نیست.

۳. قول سوم قائل به تفصیل شده‌اند؛ یعنی ازدواج در زمان بارداری جایز می‌دانند اما وطئ و هم‌بستری

را جایز نمی‌دانند. دلیل این‌ها اصل برائت ذمه است که باتوجه‌به روایات دال بر وجب استبراء نوبت به اصل عملی نمی‌رسد.

٤. بنا بر نظر نگارنده، دیدگاه کسانی که ازدواج در زمان بارداری را جایز نمی‌دانند ترجیح دارد، چون برای شارع حفظ انساب مهم است و در صورت ازدواج ممکن است زن دوباره باردار شود که این امر سبب اختلاط میاه و انساب می‌شود و ازنظرِ علم پزشکی زنی که بارداری وی ثابت شده است در صورت نزدیکی با همسر یا مرد دیگری امکان بارداری مجدد وی وجود دارد که به آن بارداری مضاعف یا سوپرفتاسیون گفته می‌شود و در موارد متعددی نیز رخ داده است.

٥. اما سرنوشت فرزند باردار بعد از ازدواج زانی به این صورت است که اگر زانیه با زانی ازدواج می‌کند مشهور می‌گوید: فرزند به زانی ملحق نمی‌شود، اما معاصران به‌جز ارث، در بقیۀ حقوق قائل به اشتراک ولد زنا با ولد شرعی هستند و در صورت ازدواج با غیرزانیه فرزند به زوج ملحق نمی‌شود.

منابع

قرآن کریم

ابن‌ادریس، محمدبن‌احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ١٤١٠ق.

ابن‌بابویه، محمدبن‌علی، کتاب من لایحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ١٤١٣ق.

ابن‌براج، عبدالعزیزبن‌نحریر، المهذب، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ١٤٠٦ق.

اشتهاردی، علی‌پناه، مدارک العروة، تهران: دار الأسوة، ١٤١٧ق.

اکرامیان، مریم، «آیا ممکن است در هنگام بارداری دوباره حامله شویم؟»، ۱۷ مرداد ۱۳۹۹، .healxapp.com.

بحرانی، یوسف‌بن‌احمد، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ١٤٠٥ق.

حر عاملی، محمدبن‌حسن، وسائل الشیعة، قم: آل‌البیت(ع)، ١٤٠٩ق.

حکیم، محسن، مستمسک العروة الوثقی، قم: دار التفسیر، ١٤١٦ق.

خمینی، روح‌الله، موانع ارث، تهران: مؤسسۀ تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س)، ۱۳۹۲.

خوانساری، احمد، جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، قم: اسماعیلیان، ١٤٠٥ق.

خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، قم: مؤسسة الخوئی الإسلامیة، ١٤٠٩ق.

ـــــــــــــ موسوعة الإمام الخوئی، قم: مؤسسة إحیاء آثار الإمام الخوئی، ١٤١٨ق.

دانشمند، فرشته، «بارداری مضاعف چیست؟»، بی‌تا، .drfereshtedaneshmand.ir.

سبحانی تبریزی، جعفر، الحج فی الشریعة الإسلامیة الغراء، قم: مؤسسۀ امام صادق(ع)، ١٤٢٤ق.

ـــــــــــــ نظام النکاح فی الشریعة الإسلامیة الغراء، قم: مؤسسۀ امام الصادق(ع)، بی‌تا.

سند، محمد، سند العروة الوثقی: کتاب النکاح، قم: فدک، ۱٤۲۹ق.

شبیری زنجانی، موسی، کتاب نکاح، قم: رأی‌پرداز، ۱٤۱۹ق.

شهید اول، محمدبن‌مکی، القواعد و الفوائد، قم: کتابفروشی مفید، بی‌تا.

شهید ثانی، زین‌الدین‌بن‌علی، مسالک الأفهام إلی تنقیح شرائع الإسلام، قم: مؤسسهٔ معارف اسلامی، ۱٤۱۳ق.

صاحب‌جواهر، محمدحسن‌بن‌باقر، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت: دار إحیاء التراث العربی، ۱٤۰٤ق.

طباطبایی، علی‌بن‌محمد، ریاض المسائل، قم: آل‌البیت(ع)، ۱٤۱۸ق.

طباطبایی، محمدکاظم، العروة الوثقی مع التعلیقات، قم: انتشارات مدرسهٔ امام علی‌بن‌ابی‌طالب(ع)، ۱٤۲۸ق.

طبرسی، فضل‌بن‌حسن، المؤتلف من المختلف بین أئمة السلف، مشهد: مجمع البحوث الإسلامیة، ۱٤۱۰ق.

طریحی، فخرالدین‌بن‌محمد، مجمع البحرین، تهران: کتابفروشی مرتضوی، ۱٤۱٦ق.

طوسی، محمدبن‌حسن، الاستبصار فیما اختلف من الأخبار، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۹۰ق.

ــــــــــــــــ، الخلاف، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱٤۰۷ق.

ــــــــــــــــ، المبسوط فی فقه الإمامیة، تهران: مرتضوی، ۱۳۸۷ق.

ــــــــــــــــ، تهذیب الأحکام، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱٤۰۷ق.

ــــــــــــــــ، رجال، قم: نشر اسلامی، ۱٤۱٥ق.

علامه حلی، حسن‌بن‌یوسف، تذکرة الفقهاء، قم: آل‌البیت(ع)، ۱۳۸۸ق.

ــــــــــــــــ، تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیة، قم: مؤسسهٔ امام صادق(ع)، ۱٤۲۰ق.

فاضل هندی، محمدبن‌حسن، کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحکام، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱٤۱٦ق.

فیض کاشانی، محمدبن‌شاه‌مرتضی، مفاتیح الشرائع، قم: انتشارات کتابخانهٔ آیت‌الله مرعشی نجفی، بی‌تا.

ــــــــــــــــ، الشافی فی العقائد و الأخلاق و الأحکام، تهران: دار نشر اللوح المحفوظ، ۱٤۲٥ق.

قائنی نجفی، محمد، «آزمایش‌های پزشکی اگر مفید علم و یقین باشد، حجت است»، ۲ دی ۱۳۹۹، http://meftaah.com.

ــــــــــــــــ، درس خارج فقه پزشکی، ۱۳۹۹، qaeninajafi.ir.

قرشی بنابی، علی‌اکبر، قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱٤۱۲ق.

کاشف‌الغطاء، جعفربن‌خضر، انوار الفقاهة: کتاب الطلاق، نجف: مؤسسهٔ کاشف الغطاء، ۱٤۲۲ق.

کانینگهام، اف‌گری و دیگران، بارداری و زایمان ویلیامز، ترجمهٔ بهرام قاضی‌جهانی، تهران: گلبان، ۱۳۹۷ق.

کلینی، محمدبن‌یعقوب، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱٤۰۷ق.

مجلسی، محمدباقربن‌محمدتقی، ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار، قم: کتابخانۀ آیت‌الله مرعشی نجفی، ١٤٠٦ق.

ـــــــــــــــــــ، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ١٤٠٤ق.

مجلسی، محمدتقی‌بن‌مقصودعلی، روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، قم: مؤسسۀ فرهنگی اسلامی کوشانبور، ١٤٠٦ق.

محقق سبزواری، محمدباقربن‌محمدمؤمن، کفایة الأحکام، قم: دفتر انتشارات اسلامی، بی‌تا.

محقق کرکی، علی‌بن‌حسین، جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم: آل‌البیت(ع)، ١٤١٤ق.

مرعشی، شهاب‌الدین، منهاج المؤمنین، قم: کتابخانۀ آیت‌الله مرعشی نجفی، ١٤٠٦ق.

مفید، محمدبن‌محمد، المقنعة، قم: کنگرۀ جهانی هزارۀ شیخ مفید، ١٤١٣ق.

مقری، احمدبن‌محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، قم: دار الرضی، بی‌تا.

مکارم شیرازی، ناصر، کتاب النکاح، قم: انتشارات مدرسۀ امام علی‌بن‌ابی‌طالب(ع)، ١٤٢٤ق.

ـــــــــــــ، الفتاوی الجدیدة، قم: انتشارات مدرسۀ امام علی‌بن‌ابی‌طالب(ع)، ١٤٢٧ق.

موسوی عاملی، محمدبن‌علی، نهایة المرام فی شرح مختصر شرائع الإسلام، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ١٤١١ق.

نجاشی، احمدبن‌علی، رجال النجاشی، به‌تحقیق سیدموسی شبیری زنجانی، قم: نشر اسلامی، ١٤١٦ق.

وزارة الأوقاف و الشئون الإسلامیة-الکویت، الموسوعة الفقهیة الکویتیة، کویت: دار السلاسل، ١٤٠٤ق.

«بارداری مضاعف چیست؟»، ۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۹، *harpy.ir*.

https://www.news٢٤.com/life/archive/can-you-fall-pregnant-when-youre-already-pregnant-٢٠١٨٠٥٠٨

«زنی طی سه هفته دو بار باردار شد و دو پسر به دنیا آورد»، ۸ آوریل ۲۰۲۱م، https://sptnkne.ws/FSD3.

«زنی که از راه غیرمشروع باردار شده است، جهت ازدواج (موقت یا دائم) چقدر باید عده نگه دارد؟»، ۲۱ آبان ۱۳۹۹، *www.islamquest.net*.

سامانۀ ملی آرای قضایی، «ارزش اثباتی آزمایش DNA در دعوای نفی نسب»، ۲۰ مهر ۱۳۹۲، *Error! Hyperlink reference not valid.*

سامانۀ ملی آرای قضایی، «دعوای لعان بعد از اقرار به رابطۀ بنوت»، ۱۳ آذر ۱۳۹۲، *http://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/*.

«عجیب اما واقعی: بارداری مضاعف یا باردارشدن مجدد همزمان با بارداری چیست؟»، سایت مادرشو، ۱ اسفند، ١٤٠٠، https://madarsho.com/article/getting-pregnant-when-you-are-already-pregnant